

کاویدن هنر از دل سرد آهن

گفت و گوا مجتبی شیرافکن، هنرمندی که از ۱۰ سالگی آهنگری کرده و حالا ایده های جالبش برای ساخت مجسمه های آهنی مورد توجه کاربران شبکه های اجتماعی قرار گرفته است؛ در این پرونده با او که دغدغه جلب توجه مردم به هنر اصیل را دارد گفت و گو کردیم

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

۹ دی القعد ۱۴۴۶ ۷ می ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۶۲

۲۹۸۱



به ذائقه مخاطب ایرانی توجه کنیم

اما چطور می شود توجه مردم را به این عرصه جلب کرد؟ مجتبی شیرافکن معتقد است: «به عقیده من این مسئولیت به عهده مهندسان و طراحان است. برای کسانی که پرچمدار این زمینه ها هستند یا کسانی که به حساب فروشنده هستند و می روند طرح های خارجی را که با سبک زندگی خارجی ها تطابق دارد، به زندگی مامی آورند. یک کلمه مینی مال یادگر فتندو می گویند این طرح مینی مال است و... البته که طرح های ساده هم قشنگ است ولی باروحیات ما شاید اخت نباشد. مثلاً یک فضای تاریک خشن درست می کنند، این ها اصلاً باروحیات ما همخوانی ندارد. هنوز که هنوز است با هر کسی که صحبت کنید دلش پر می زند برای یک پنجره دوردار قدیمی یا شیشه های رنگی و دیوار آجری و یک فرش قرمز دستباف و این فضاو صحنه را بیشتر مردم دوست دارند ولی هیچ جا اجرانمی شود. خیلی بهتر است که ما خودمان یک موقع هایی بها بدهیم اگر یک جایی کسی پنجره دوردار سنتی ایرانی با هلال و شیشه های مشبک رنگی درست کرد از او تشکر و تجلیل کنیم».

مردم حس آثارم را دوست دارند

کنجکاوم بدانم بین آثاری که شیرافکن ساخته کدامش بیشتر دیده شده و نگاه مخاطب به این هنر چطور است؟ «در فضای مجازی، کارهایی که مفهوم شان را خیلی ساده و شیوا می رسانند یعنی یک طرحی که نزدیک به واقعیت هست، مردم خیلی بیشتر با آن ارتباط برقرار می کنند. مثل آن مرد خانه به دوش یا مرد آهن به دوش و کارهایی که یک مقدار در دل محتوایش درد حس می شد. در مسیر دیده شدن یک اثر ایده خیلی مهم است، یک منظور و یک حرفی را خیلی قشنگ برساند؛ خیلی دنبال این نرفتم که یک خط صاف یک خط کجی به چیزی باشد بعد بیاییم بگویم به چه چه. از آدمک ها استفاده کردیم آدمک ها بیشترین بازخورد را داشت. آدمک ها دنیای شان خیلی قشنگ تر بود و مردم خیلی بهتر توانستند با آن ها ارتباط برقرار کنند».



می توان از هنر درآمد داشت اما...

یکی از دغدغه های جدی همه کسانی که می خواهند وارد کار هنری شوند این است که آیا می توان از مسیر هنر درآمد داشت و هنر را همزمان به چشم علاقه و شغل دنبال کرد؟ و اگر کسی بخواهد وارد این حرفه شود چه کند؟ اما تجربه شیرافکن این است که: «در مورد درآمد، من دوست ندارم اصلاً از این راه درآمد آن چنانی داشته باشم چون اول برای دل مردم و بعد دل خودم این کارها را می سازم و دوست دارم که مفهومی باشد. اگر وارد بازار کسب و کارش کنیم، وارد بازار درآمدی کنیم احساس می کنم که دیگر از آن حس و حال واز آن روحی که شاید درش داشته باشد خارج شویم؛ چون وقتی از هر کاری تعداد بزنیم دیگر آن حس و حال را ندارد اما در مورد آموزش، بهتر است که فردیک سری آموزش مقدماتی را داشته باشد مثلاً حداقلش کار کردن با سنگ فرز و از همه مهم تر ابزار آلات مثل دستگاه جوش. خیلی ها هستند که مثلاً پیام می دهند من مشکلی ندارم و با آغوش باز به آن ها آموزش می دهم؛ بعضی از همکار های ما هم همین طور هستند که آموزش می دهند و هیچ بحثی در مورد آموزش نیست. بهترین روشش هم چون این کار دایره خیلی بزرگی دارد و خیلی وسیع است، با آموزش آنلاین و آموزش های اینترنتی فکر نمی کنم آن طور که باید و شاید بازدهی داشته باشد یعنی خوب بتوانیم مفهوم را برسانیم. لمس کردن آهن خودش یک طرف است و ابزار دست گرفتن طرف دیگر. آن موقعی که در کنار همدیگر باشیم خیلی بهتر جواب می دهد. در اصل برای آموزش این کار حضوری خیلی بهتر است. اگر کسی بتواند این دسته از کارها را اجرا کند از لحاظ درآمدی می تواند درآمد خیلی خوبی داشته باشد به شرطی که ذهن خلاق داشته باشد و هر ایده ای را بتواند اجرا کند».



سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

شاید فکر کنید بعضی شغل ها مربوط به گذشته هستند و دیگر یا بازار و کاربرد قدیم را ندارند یا اگر هم مانده باشند، دیگر آن اثر گذاری را ندارند و با جریان روز زندگی پیش نرفته اند. به طور مثال «آهنگری» یکی از آن شغل هاست. وقتی می شود یک کالای چینی را برای چیدمان خانه خرید که برق بزند و بدرخشد، چرا باید سراغ یک دست سازه فلزی برویم؟ بد نیست بدانید هر چند سلیقه بسیاری از ما در مواجهه با هنر به خصوص صنایع دستی خراب شده؛ اما باز هم هنر آهنگری نه به آن معنای مرسوم و قدیمی که در ذهن برخی از ماست، اما در شکل تازه و متناسب با نیاز روز جامعه هنوز مخاطب دارد و افرادی در این عرصه فعال هستند. مجتبی شیرافکن یکی از آن هاست که تلاش می کند با ساخت مجسمه و المان های آهنی، توجه مردم را به این هنر جلب کند. در آثار او فرم و محتوا ترکیب جالبی دارند و ویرای زیبایی که می تواند امری سلیقه ای باشد؛ تلاش برای جلب توجه مخاطب به یک مفهوم به خوبی نمایان است. پای صحبت او نشستیم که از ۱۰ سالگی در این حرفه فعال بوده تا از این هنر بگویم، اهمیت توجه به مفاهیم در هنر، تأثیر چنین آثاری در زندگی روزمره ما و باز خوردی که از مخاطبانش گرفته است. برای یک سفر جالب آماده باشید.

از ۱۰ سالگی آهنگری می کنم

مجتبی شیرافکن داستان ورودش به حرفه آهنگری را این طور بیان می کند: «پدرم آهنگر بود و از کودکی یعنی ۱۰، ۱۲ سالم که بود، در مغازه پدرم مشغول آهنگری بودم. پدرم در و پنجره ساز بود. یک مغازه خیلی کوچکی در محله نیاوران داشت. هنرستان رشته مکانیک خواندم و مدرک تحصیلی ام دیپلم مکانیک است. من آهنگر هم یعنی آهنگری شغل و حرفه ام بوده، از سال ۸۶ که خدمت سربازی را اتمام کردم سر ساختمان ها اسکلت کاری، لوله کشی، تانکرو مخزن سازی کردم و بعد از آن تقریباً چهار پنج سال پیش کارگاه آهنگری را راه اندازی کردم. از کار ساختمانی بیرون آمدم و وارد کارهای دکوری آهنگری مانند میز و صندلی، میز ناهارخوری و میز کنسول شدم. بعد یواش یواش همین کارهای دکوری خیلی بر ایمان جذاب شد و باعث شد بروم در کارهای هنری».



دوست دارم کار هایم مفهومی باشد

مجتبی شیرافکن روند کارش تا مرحله رسیدن به ایده های جدید را این طور توصیف می کند: «ابتدا المان هایی از سایت های خارجی را کپی کردیم و ساختیم. کم کم با دوستان و کسانی آشنا شدیم که ایده دادند و بالاخره هر کسی از دوست و رفقایمان به نوبه خودشان خیلی کمک کردند. کم کم وارد این مرحله جدید شدیم. یعنی ابتدا از ماشین و لکوموتیو قایق و این چیزها شروع کردیم و بعد مسیر را ادامه دادیم تا رسیدیم به آن تفنگی که درست کردیم و سرش گره داشت دیگر اصلاً خلق و خوی خودم هم عوض شد. خودم خیلی بیشتر از هر چیز دیگری دوست دارم که کارهایمان بیشتر مفهومی باشد تا دکوری و یک حرفی برای گفتن داشته باشد. گشتیم یک ایده ای را پیدا و اجرایش کردیم و بعد هم ایده بعدی. البته همیشه در مسیر زندگی هر کسی دغدغه و مشکلات خیلی زیادی هست، مثل اجاره کارگاه و تهیه کردن اجناس، ابزار و متریال و دستگاه، حتی خیلی از ابزارهایی که لازم داریم دم دستمان نیست و یک سری شان اصلاً در ایران نیست».



خیلی از کارها را برای فروش نمی سازم

صحبت مان به فضای مجازی می کشد و این که چطور کارهایش در این فضا دیده شد؟ «برای پیدا کردن مشتری و توسعه کسب و کارمان در فضای مجازی شروع کردیم. شروع کارمان اول انگیزه مالی داشت اما بعد یواش یواش وارد مرحله جدیدی شدیم و دیگر خیلی از کارهایم را برای فروش نمی سازم؛ بلکه بیشتر برای دیده شدن کار در فضای مجازی می سازم. اینستاگرام یک فضای مردمی است و من خیلی خیلی راضی ام از این که این فضا هست و من و امثال من خیلی خوب داریم از آن استفاده می کنیم. مردم هم خیلی کارهایم را دوست داشتند و در کل بازده خیلی خوبی داشته است».



گرمای نهفته ای در آهن هست

دوست دارم با کمک این هنرمند با آهنگری بیشتر آشنا شویم؛ می گوید: «تاریخچه آهن و صنعت آهنگری به گذشته دور برمی گردد. شاید از اولین ابزار و متریالی بوده که بشر از آن استفاده کرده است. ما انسان ها از قدیم با آهن ارتباط هنری هم داشتیم و در کنارش ابزار آلات کشاورزی و ابزار جنگی هم می ساختند. برعکس بیشتر مردم که می گویند آهن فلز سردی است، به نظر من ویژگی خاصی دارد و گرمای نهفته ای در آن هست که اگر بتوانیم با آن ارتباط برقرار کنیم یک فلز خیلی دوست داشتنی است. من هم امیدوارم که بتوانم نظر مردم را درباره خود فلز آهن عوض کنم تا دید دیگری به آهن داشته باشند. آهن به خاطر این خیلی خوب است که ماندگاری بسیار طولانی دارد و اگر ما بتوانیم به آن روح بدهیم، فرم بدهیم و یک مفهومی را داشته باشد، به راحتی از بین نمی رود. شاید آهن یک خرده سخت باشد و ما راه نیابید، حتی یک جاهایی چالش بر ایمان ایجاد می کند، همین باعث می شود که اگر آن کار انجام و اجرا شود ماندگاری خیلی طولانی داشته باشد و به این راحتی ها فکر نمی کنم از بین برود».

از هنر حمایت کنیم

وقتی آثار مجتبی شیرافکن که یکی از هنرمندان فعال در این عرصه است چنین بازخورد خوبی گرفته، مهم است بدانیم چطور می شود کلیت این هنر را معرفی کرد و او را مهجور بودن خارج کرد؟ «بهترین راه برای توسعه این هنر و صنعت در کشور ما بها دادن به آن است، بچه های ما بیایند این کار را شروع کنند و ادامه بدهند و پیشرو باشند، به بچه هایمان، جوانانمان بها بدهیم، به آن ها آموزش بدهیم و برایشان زمان بگذاریم. اگر دیدیم یک جایی یک نفر حرکت کوچکی زده حداقل کاری که می توانیم بکنیم این است

